

سندراجی



بعنوان: ابراهیم خرازی

Koch
hak
elang
all
ogra
go

سردار حکم

میرزا کوچک خان

نوشته

ابراهیم فخرانی

۱۳۴۴	امداده	چاپ اول	●
۱۳۴۶	امداده	چاپ دوم	●
۱۳۴۸	اسفندماه	چاپ سوم	●
۱۳۵۱	شهریورماه	چاپ چهارم	●



سازمان چاپ و انتشارات جاویدان

مُؤلِّف: مُحَمَّد حسن علمر

این کتاب با سرمایه سازمان انتشارات جاویدان بچاپ رسید.

یاد داشت مؤلف بهمناسبت چاپ سوم

داستان جنگل و پیدایش قدرت مسلحی در گیلان در جریان جنگ جهانی اول و ماجرای هفت ساله آن از جمله مسائلی بود که سالها از نظر عموم مکتوم و ناشناخته مانده بود. چه، با فقد اطلاع از عملت وجودی این قدرت و نیات و هدف رهبران این نهضت هر کس، بر حسب مذاق و مشرب و اقتضاء نوع و تعایلات سوساسی ووابستگی‌هایش بجنب یا راست در آن باره چیزی می‌کفت و نتیجه‌ای موکر فتا نا آنجاکه پدیده جنگل که می‌باشد با سیماهی واقعیت چلوه گر شود و باقساوت‌های صحیح در متن تاریخ جای گیرد در قالب رمان و افسانه مسخ گردید.

کسانی بودند که قیام جنگل را تقبیح و آنرا افاداعی ماجراجویانه و خلاف مصلحت و تجاوز از حدگلوم و نوعی تعناس و کستاخی تعبیر و کسان دیگری که بلند شدن صدای ایراد و اعتراض را با احساس ملیشان همراهی کردند و آنرا تشویق مونمودند.

کتاب «مردار جنگل» مفتاحی شد برای کشف رمز و درک واقعیت و چگونگی داستان این نهضت، یعنی در حقیقت آنچه را که تابامروز با تحریف حقایق از اذهان عموم مخفی مانده بود و خواه و ناخواه می‌باشد روزی آشکار شود در معرض دید عامه گذشت.

توجه و استقبال گرم از دو چاپ کتاب و نایاب شدن نسخه‌های هردو چاپ ثابت نمود که استعداد جامعه را در زمینه تفحص و تحقیق و شناسائی فهرمانهای ملی نباید دست کم گرفت و کرجه کمکو از فروش چهار هزار جلد آنهم بعدتر چهار سال در اجتماعی که مطبوعات آنچنانیش یکصد هزار تیراژ هفتگی دارد امری فوق العاده و شکفت‌انگیز بمنظور نعیرسد ولی در هر حال میان این واقعیت است که همچنانکه واردات از آنسوی مرز در محیط فرهنگی و اجتماعی ما طالبان فراوان دارد، کالای آزادگی و معنویات نیز بی‌خریدار نیست و نموازات بعضی انحرافات

و پیشرفت برق آسای برخی بدآموزیها، کمالات و فضایل انسانی نیز در حال گسترش دیگر است و باید امیدوار بود که پند ناصحان و وضع رهیان و تعالیم دانشمندان و آموزگاران قوم که با افروختن مشعل ارشاد، سرگشته گان و فریب خود گان را بشاهراه نجات و ترقی و عظمت هدایت میکنند و بحقایق زندگی آشنا میسازند مفید و مؤثر افتد و جامعه‌ما در سیر تحول تاریخی خود مقام و موقعیت استحقاقی خود را بازیابد.

در آستانه چاپ سوم کتاب یکبار دیگر از ارباب فضل و سرورانی که مؤلف را تشویق و متمول عنایت و بزرگواری فرادرداهند سپاسگزاری میکنم و توفيق همکان را در خدمت بنوع و آزادی و انسانیت از پروردگار توانا مستلت مینمایم.



میرزا کوچک خان جنگلی

فهرست مدرجات

تقریبات

مقدمه	از صفحه ۱۵ تا صفحه ۳
فصل اول: یک مردای بزرگ	۳۱ ، ۱۹ ،
فصل دوم: شخصیت و افکار و اخلاق میرزا کوچک	۴۵ ، ۲۶ ،
فصل سوم: ایدئولوژی جنگلی ها	۵۹ ، ۴۹ ،
فصل چهارم: فراز و نشیب:	۷۷ ، ۶۳ ،
جنگ داووسار	۶۵ ،
جنگ کسما	۶۷ ،
جنگ ماکلوان	۷۴ ،
جنگ ماسوله	۷۶ ،
فصل پنجم: توسعه و تکامل:	از صفحه ۸۱ تا صفحه ۱۰۳
مستوفی‌المالک و سپه‌سالار	۸۱ ،
حاجی‌محسن خان‌امین‌الدوله	۸۵ ،
هدیه‌انور‌پاشا	۹۰ ،
تشکیلات جنگل	۹۱ ،
بازگشت سر بازان روس	۹۸ ،
فصل ششم: نمایندگان سیاسی	از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۲۶
نمایندگان دولت در جنگل	۱۰۷ ،
نمایندگان شور روی در ایران	۱۰۹ ،

نمايندگان جنگل در قزوين » ۱۱۱
نمايندگان انگليس و روس در جنگل ۱۱۳

فصل هفتم: در راه تصرف منابع نفت: از صفحه ۱۲۹ تا صفحه ۱۵۷

استراتژی نظامي انگليس » ۱۲۹

جنگ منجیل ۱۳۱

روزنامه جنگل ۱۴۱

ماجرای يك شبیخون » ۱۴۹

معاهده جنگل و انگليس » ۱۵۲

فصل هشتم: دوران تحول: از صفحه ۱۶۱ تا صفحه ۲۲۲

زمامداری و ثوق الدوله ۱۶۱

تسلیم شدن حاجی احمد سمائی ۱۷۰

تخلیه فومنات ۱۷۴

تسلیم دکتر حشمت ۱۷۷

اعدام دکتر حشمت ۱۷۸

سودار معظم خراسانی » ۱۸۱

قرارداد ایران و انگليس » ۱۸۶

عواقب نفاق ۱۹۵

فصل نهم: صحنه های قازه از صفحه ۲۲۵ تا صفحه ۲۵۴

نامه ای از لنکران » ۲۲۵

سفری نتیجه ۲۲۷

مسئله خواب ۲۳۰

تجاویز شوری ها با خاک ایران ۲۳۳

اعتراض دولت ایران » ۲۳۵

مذاکرات تمر بخش » ۲۴۱

ورود جنگلی ها بر است » ۲۴۵

اعلامیه حکومت جمهوری ۲۴۶

در آرامگاه دکتر حشمت » ۲۵۰

زمامداران انقلاب ۲۵۱

فصل دهم: آغاز عملیات:

از صفحه ۲۵۷ تا صفحه ۳۱۲

- ۲۶۰ دستورهای محرمانه ،
- ۲۶۱ خلع سلاح پادگان رشت ،
- ۲۶۸ کودتای سرخ ،
- ۲۷۴ کنگره شرق ،
- ۲۷۹ نمایندگان جنگل در مسکو ،
- ۲۹۰ نامه میرزا کوچک ب مدیوانی ،
- ۲۹۳ پاسخ مدیوانی ب میرزا کوچک ،
- ۲۹۵ نامه دوم میرزا کوچک ب مدیوانی ،
- ۳۰۳ پیش روی و عقب نشینی قواه دولت ،
- ۳۰۲ نبرد انقلابیون و جنگلی ها ،
- ۳۰۷ استاروسلسکی فرمانده نیروی قزاق ،
- ۳۰۹ رپرتاژ جریانات چهارماهه انقلاب .

فصل یازدهم: توالی وقایع

از صفحه ۳۱۳ تا صفحه ۳۴۹

- ۳۱۵ آشتی صرآن انقلاب ،
- ۳۲۸ یک نامه مهم ،
- ۳۳۰ واقعه ای در فومن ،
- ۳۳۲ کودتای حوت ۱۲۹۹ ،

احساناله خان آماده فتح تهران ۳۳۹

فصل دوازدهم: توافق سیاست شوروی و انگلستان:

از صفحه ۳۵۴ تا صفحه ۳۶۲

- ۳۵۲ آنچه بین کیکالو و میرزا گذشت ،
- ۳۵۶ نامه سفیر شوروی ب کوچک خان ،
- ۳۶۱ جواب کوچک خان ب سفیر شوروی

فصل سیزدهم: حادثه بدفر جام:

از صفحه ۳۶۵ تا صفحه ۳۹۴

- ۳۶۵ واقعه ملاسرا ،
- ۳۷۰ نماینده خیابانی ،
- ۳۷۱ مسلط شدن دولت با وضعی ،
- ۳۷۵ جنگل و سردار سپه ،

آخرین نامه و آخرین دیدار صفحه ۳۸۳

شلهای که خاموش شد » ۳۸۶

فصل چهاردهم: سرنوشت سایر سران انقلاب از صفحه ۳۹۷ تا صفحه ۴۲۳

خالوقربان ۳۹۷ »

احسان الله خان و حاجی »

محمد جعفر کنگاوری ۴۱۵

سید جلال چمنی ۴۱۷

حیدر خان عموجلی ۴۲۰

حسن خان کیش دره‌ای ۴۲۲

فصل پانزدهم: در حاشیه حوادث از صفحه ۴۲۷ تا صفحه ۴۶۰

وفیات اعیان ۴۲۷ »

تاریخ احزاب سیاسی ۴۲۱ »

ایران در جنگ بزرگ ۴۲۳ »

کتاب بیرنگ ۴۲۳ »

قیام کلنل محمد تقی خان ۴۲۵ »

اطلاعات هفتگی ۴۲۶ »

تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان ۴۲۹ »

قیام آذربایجان ۴۴۱ »

تاریخ بیداری ایرانیان ۴۴۲ »

تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه ۴۴۲

روزنامه بسوی آینده ۴۴۴ »

مجله خواندنیها ۴۴۴ »

روزنامه دنا ۴۴۸ »

سیاست شوروی در ایران ۴۵۱ »

- جزوه تاریخ جنگلیان ۴۵۳
- مجله اسپارتاکوس ۴۵۴
- امپریالیزم انگلیس ۴۵۵
- در ایران و فرقه از ۴۵۷
- دیوان عارف ۴۵۸
- فصل شانزدهم: انتقادات و احتجاجات از صفحه ۴۶۳ تا صفحه ۴۹۰**
- مجله ارمنان و پاسخی بمقالات آقای دیو سالار ۴۶۳
- محله روشنفکر و جواب نوشته آقای کاظم شاهرخی ۴۶۸
- روزنامه بازار و پاسخی با انتقاد آقای کامران فیلسوفی ۴۷۴
- محله تهران مصور و جواب مصاحبه تیمسار سپهبد ۴۷۹
- محمد نجفیان
- روزنامه اطلاعات و اتفاقات بمقالات «مردی از جنگل» ۴۸۱

چندقطه از عکهای این کتاب
را آقای یحیی حربیان بازدگان مقیم
رشت در اختیار ما گذاشته‌اند که بدین
وسیله از عنایت معظم‌له سپاسگزاری
می‌شود .
مؤلف

فهرست گر اورها

۱۱۰ صفحه	۲۲ - سیدعبدالوهاب صالح	۱ - کوچک جنگلی
۱۱۰	۲۳ - حاجی شیخ علی علم الهدی	۲ - کوچکخان آماده سفر گیلان صفحه ۲۵
۱۱۲	۲۴ - میرزا محمدی انشائی	۳ - کوچکخان در دوران طلبگی صفحه ۲۶
۱۱۳	۲۵ - شیخ بهاءالدین املشی (میزان)	۴ - کوچکخان در مدرسه جامع رشت صفحه ۲۷
۱۱۵	۲۶ - چندتن از مجاهدین	۵ - کوچکخان با چندتن از مجاهدین
۱۱۷	۲۷ - پیکرهای از چریک‌ها	۶ - مشروطیت
۱۱۹	۲۸ - نظامیان ملی گوراب زرمع	۷ - کوچکخان زمان داوطلبی جنگ
۱۲۱	۲۹ - جمعی دیگر از چریک‌های جنگل	۸ - گمشتبه
۱۲۵	۳۰ - میرزا کوچک بادوتون از نزدیکانش	۹ - نمونه امضاء میرزا کوچک
۱۳۱	۳۱ - پیکره دیگری از جنگلی‌ها	۱۰ - جنگلی‌های آغاز قیام
۱۳۴	۳۲ - محمودخان ژولیده	۱۱ - چندتن از جنگلی‌های آغاز نهضت
۱۳۷	۳۳ - عده‌ای از جنگلی‌ها	۱۲ - مفاخر الملک
۱۳۹	۳۴ - اسکندرخان امانی	۱۳ - دکتر حشمت و کربلاعی حسین
۱۴۱	۳۵ - سرلوحه روزنامه جنگل	۱۴ - حاجی محسن خان امین الدوله
	۳۶ - مشدی علیشاه چومثقالی	۱۵ - افسران عثمانی
۱۴۵	(هوشنگی)	۱۶ - سلطان الواقعین خلخالی
۱۴۷	۳۷ - میرزا حسین خان کسمائی	۱۷ - افسران آلمانی و اتریشی
۱۴۹	۳۸ - غلامحسین نویدی	۱۸ - سالارناصر خلچ (فاطمی)
۱۵۲	۳۹ - نظام ملی لاهیجان	۱۹ - دکتر علی خان شفاف
۱۵۴	۴۰ - یادبود شهادت ژولیده	۲۰ - دکتر سید عبدالکریم کاشانی
۱۵۶	۴۱ - شیخ علی شیشه‌بر	۲۱ - عزت الدخان هدایت
۱۶۵	۴۲ - نامه قونسول انگلیس	۲۲ - حاجی سید محمود روحانی
۱۶۷	۴۳ - نامه رئیس اداره سیاسی	۲۳ - عده‌ای از مجاهدین

صفحة	٢٨٢	٧٢-آقانصرالله رضا	صفحة	١٧١	٤٤-التماتوم انگلیس‌ها
٢٨٤	٧٢	-محمدعلی خمامی (گیلک)	١٧٥	٤٥-نامه وثوق‌الدوله	
٢٨٦	٧٤	-تمبر انقلاب سری کاوه	١٧٦	٤٦-شیخ عبدالسلام عرب	
٢٨٧	٧٥	-علی حبیبی	١٧٨	٤٧-دکتر حشمت	
٢٨٩	٧٦	-دکتر منصور باور	١٨٤	٤٨-سردار معظم خراسانی	
٢٩٢	٧٧	- حاجی شیخ محمد حسن آمن	١٨٦	٤٩-چهارتن از زعماء جنگل	
٢٩٧	٧٨	- اسماعیل جنگلی	١٩٠	٥٠-میرزا کوچک بقیافه یکفر دجنگلی	
٣٠٠	٧٩	- خالوقربان هرسینی	١٩٤	٥١-چند نفر از جنگلی‌های کرد	
٣١١	٨٠	- میرزا شکر الدخان تنکابنی (کیهان)	١٩٦	٥٢-چند تن از مجاهدین گیلک	
		عطاء الدخان امیر یگانه	٢٠١	٥٣-قراقان ایرانی در خدمت جنگل	
	٨١	- حاجی میرزا علی‌اکبر مجتبه‌زاده	٢٢١	٥٤-حجی ابوالحسن علیشاھی	
٣٢٢	٨٢	اردیلی		میرزا او آذری بعد از توافق	
٣٢٥	٨٢	- حیدرخان عموغلی		٥٥-میرزا کوچک پیش از مسافت	
٣٢٩	٨٢	- اگهی کمیته انقلاب	٢٢٩	بلنکران	
٣٢١	٨٤	- شیخ علی طالقانی (تنها)	٢٣٢	٥٦-آقا یوسف کسمائی و دونفر دیگر	
٣٢٤	٨٥	- غلامعلی بابا در مأموریت شهوار	٢٤٠	٥٧-فرزندان عسکر درامی	
٣٤١	٨٦	- احسان الدخان		٥٨-میرزا کوچک و فرماندهان	
٣٤٣	٨٧	- عبدالحسین خان شفائی	٢٤٢	ارتش سرخ	
٣٤٤	٨٨	- حسین خان لله	٢٥٢	٥٩-اعضاء شورای انقلاب	
٣٤٩	٨٩	- محمود رضا و احسان الدخان	٢٥٣	٦٠-دکترا ابوالقاسم لاهیجانی (فرید)	
٣٧٠	٩٠	- آخرین تصویر میرزا	١٦٣	٦١-حکم فرماندهی مازندران	
٣٧٦	٩١	- میرزا نعمت‌الله آلبانی	٢٦٥	٦٢-روزنامه دیوار کوب	
٣٧٨	٩٢	- میرزا محمود کرد محله‌ای	٢٦٦	"	
٣٩٠	٩٣	- سر بریده میرزا کوچک	٢٦٨	٦٣-محمدعلی پیر بازاری	
٣٩١	٩٤	- مشدی کاس آقادسام	٢٧٠	٦٤-بیمارستان ابن‌سینای رشت	
٣٩٢	٩٥	- رضا اسکنستانی برنده سرمیرزا کوچک	٢٧١	٦٥-میرشمیس‌الدین وقاری	
٣٩٤	٩٦	- رضا اسماعیل	٢٧٢	٦٦-سید جعفر خان صومعه‌سرائی (محسنی)	
٣٩٨	٩٧	- حسین جودت	٢٧٤	٦٧-محمود رضا طلوع	
٤٢١	٩٨	- غلامحسین بهمبری و مرزا را	٢٢٥	٦٨-محمود رضا طلوع در لباس رزم	
٤٢٣	٩٩	- سلطان حسن خان زند	٢٧٧	٦٩-ابوالقاسم رضازاده (فخرائی)	
٤٥٩	١٠٠	- ساسان کی آرش	٢٧٨	٧٠-غلامعلی باهاماسولهای	
			٢٨١	٧١-نمایندگان اعزامی بمسکو	

چاپ چهارم

چون چاپ سوم این کتاب هافند در چاپ قبلی آن
مودد توجه علاقمندان واقع شد و نسخه‌هایش بروزی نایاب
گردیدند و از هرکز و شهرستان‌ها برای تهیه و خریداری آن بما
دجوع هینمودند، لذا تصمیم به چاپ تازه گرفتیم و در این چاپ
آن قسمت از گراورها را که در چاپ سوم کتاب افست شده و
کمی مخدوش بنظر هیمسندند با بکاربردن اصل تصویرها و تجدید
کلیشه‌ها اصلاح نمودیم که امیدواریم مطبوع طبع و موددرضايت
خوانندگان ارجمند قرار گیرد.

سازمان انتشارات جاویدان

سر آغاز

خدای بزرگ را سپاس که با نشر کتاب سردار جنگل پرده ایهام بکنار
زده شد و چهره درخشنان یک مردم ملی و یک قهرمان آزادی نمایان گشت و نهضت
انقلابی جنگل آنطور که بود با تعامی خصوصیات و فراز و نشیب هایش، در معرض
اطلاع عموم قرار گرفت. وجای بسی خوشوقتی است که کتاب مزبور در محافل
اجتماعی و سیاسی و میان فرهنگیان و صفوی آزادگان و صاحب نظر ان کشور، حسن
قبول یافت و بنام یک اثر ارزش نده معرفی گردید.

اکنون که بچاپ دوم کتاب مبادرت میشود وظیفه خود میدانم که پیش از
آغاز هرسخنی، نخست از ملاحظت و توجهات بی شائبه اساتید و دانشمندان معمول
که باین اثر ناجیز تقریظ نوشته و اقدام ناقابل مارا ستوده اند – یا حتم انتقاد
با خودداده، بتحلیل و تجزیه قضاها برداخته اند – یا از مندرجات کتاب که بر مبنای
حقایق و واقعیات استوار است در مقام دفاع برآمده، با ارادات غرض آلود پاسخ
گفته اند اظهار تشکر و حقشناسی کنم. و نیز از سروران گرامی و نویسندگانی که
از تدوین کتاب و روشن شدن گوشاهای از تاریخ کشور ما ابراز مسرت نموده کتبی
و یافاگاهی بما تبریک گفته اند از صعیم قلب اظهار تقدیر و سپاسگزاری نمایم.

شببه نیست که استقبالی چنین گرم و شورانگیز، نتیجه علاقه و اشتیاق
مردم کشور ما است بمعطالعه آثار مفید و مطبوعات سالم، و درک حقایق تاریخی و
لفکر و تحقیق در اطراف نمره فعالیت قهرمانان ملی و جانبازان راه آزادی،

الف

و بدبیهی است این علاقه و اشتیاق که با رشد فکری و احساس احتیاج جامده ما بکسب یک زندگی مستقل و شرافتمند ، پیوندهای ناگستنی دارد واز یک ایمان بی تزلزل و عاطفه انسان دوستی و اعتقاد بفضلیت سرچشم میگیرد، هم دلخوش کننده است و هم باعث امیدواری. و شدت و ضعف این علاقه و عشق ، معرف حیثیت و شئون وضع اجتماعی ما در جهان زندگی خواهد بود .

آنچه در چاپ اول این کتاب بخوانندگان گرامی عرضه گردید مشاهدات عینی نویسنده بود بضمیمه اطلاعات و گزارش‌هایی که از منابع معتبر و موثق کسب نموده با بررسی‌ها و مدارک و اسناد قابل اعتماد تطبیق و از گر بال تحقیق گذرانیده است .

در چاپ دوم کتاب ، گذشته از تنقیح مطالب و تصحیح محدودی اغلاظ ، از تذکرات بی‌غرضانه و یادآوری‌های مهر آمیز دوستان نیز استفاده شده است. چند قطعه عکس به پیکرهای قبلی افزوده‌ایم و در تصریح و تکمیل پاره‌ای نکات کوشیده و بقدر مقدور از استعمال واژه‌های ناماؤس کاسته‌ایم و با تمامی این احوال مزیت اصلی این چاپ تنها از این جهت که حاوی نظریات اهل فضل میباشد اختصاص دارد و ما عقاید پژوهندگان را بدون اینکه قصد خود خواهی و نیت خودستایی داشته باشیم بترتیب تاریخ ثبت مینماییم و درباره دو سفره از نگارشات ، که نیاز بتوضیحاتی دارند در آخر کتاب بتفصیل سخن خواهیم داند.

* * *

شاعر و ادیب گرانمایه آقای سید محمد تقی هیرabol القاسمی چنین مرقوم داشته‌اند :

از رشت بتاریخ ۲۱/۶/۴۴

من با اشتیاق تمام صفحات کتاب « سردار چنگل » را خواندم. باور کنید مقدمه و بسیاری از مطالب را نتوانستم با یکبار خواندن اکتفا نموده و بگذرم. روح و اندیشه جوان و آزاد شما در تمام صفحات و در مفاهیم جاندار لغات کتاب بچشم میخورد و از آن نور امید و سرافرازی می‌بارد باید. بگوییم اگر هر زمان

شما در ذندگی بنحو شایسته‌ای دین خود را بحاجمه و بزادگاهشان انجام داده‌اند
شما آنرا شایسته‌تر نشان داده‌اید.

نقل از روزنامه ساییان منطبعه رشت بقلم بیشه‌بان^۱ مورخ ۲۳

شهریور ۴۴

دانشمند گرامی و معلم کهن سال و آزادیخواه دوران مشروطیت و یادگار
نه تاریخ پر ماجراهی قرن اخیر... آقای ابراهیم فخرائی و کیل پایه یک
دادگستری اخیراً با قلم شبوا و روش سهل و ممتنع و در کمال بی‌نظری، دور از
هر گونه حب و بعض که خود از نزدیک شاهد و ناظر بسیاری از صحنه‌ها و از شخصیت‌های
انقلابی آن روزها بود، دست با انتشار کتابی که پرده از روی بسیاری از حقایق
بر میدارد زده است. این کتاب که بقطع وزیری و در حدود ۴۰۰ صفحه است از تصاویر
و کلیشه‌های زیادی از مستندات تاریخی و دلایل مثبت و غیر قابل انکار تنظیم
یافته و قلم بطلان بر عقاید ذات شارات عده‌ای که نوشهای خود را بعنوان تملق
بر تاریخ و فرخ روز و سیله ارتقاء مقام و بدست آوردن آلاف والوف قرار داده‌اند
میزند. مابا انتشار این کتاب به نسل جوان که بایض و عناد با تحریف تاریخ
نویسان موسمی با سناد گرانبهای کشور می‌نگرند تیریک می‌گوئیم و اطمینان میدهیم
که با مطالعه این کتاب، بهتر با گذشته خود آشنا خواهند بود و نژمات را در
مردانی که دائمآ با فعالیت‌های وطن پرستانه، بایمهای سلطنت تزاری را متزلزل
می‌ساختند و باریختن خون خود پرچم استقلال و مشروطیت ایران را در آسمان پین‌المللی
آن روزهای پر خطر، تمام افرادش نکاه میداشتند خواهند ستود و به پیروی از
خاصیص نژادی در حفاظت و فداکاری در راه شاه و میهن آمده تر خواهند بود.

مستخرج از نامه دوست‌فضل ارجمند آقای علی قلی بور رسول

از رشت بتأريخ ۱۳/۶/۴۴

کتاب سردار جنگل را با رغبت خاص خواندم و میتوانم با کمال اطمینان
عرض کنم که کتاب یاد شده در ردیف بهترین آثار و تأثیراتی است که
در چند سال اخیر منتشر شده است.

* * *

۱- آقای قدیر بیشه‌بان از فرهنگیان دانشمند گیلان اند

نگارش شخصیت آزاده و نویسنده نکته‌سنج آقای عبدالعظیم یمینی

طهران

بتاریخ هفتم مهر ۱۳۴۴

من از دیدن کتاب سردار جنگل غرق شدم و از صمیم قلب این خدمت بسیار ارزنده را به.... آقای فخرائی تبریک می‌گویم.

معمولًا اعتقاد بر کتاب‌هارا بصورت مقاله برای چاپ در زنامه‌ها میدهدند اما من از این تظاهر خوش نمی‌آید و چون هدف و غرض یادآوری است و میل دارم اثری که از طرف یک شخصیت آزاده گیلان منتشر می‌شود از هرجهت بی‌عیب باشد این است که یادداشت‌هایی تهیه کرده‌ام که بشمیمه تقدیم است.

(در یادداشت‌من بورا شاراتی است بفعالیت‌های مرحوم میرزا کوچک‌خان در انقلاب مشروطیت و وضع اسف‌انگیز سالهای اول قیام وحالی بودن جای یک مقاله حماسی در آستانه تخلیه فومنات و در تصریح اسمی اشخاص و عکس خانه آنمرحوم و خواهرش و گردنه گیلوان و آرامگاهش و اینکه هدف و انگیزه اساسی میرزا در درجه اول اعاده مشروطیت از دست رفته بوده است، باضافه چند نکته دیگر که با امتنان از توجهات نویسنده محترم سعی خواهم نمود تذکرات مزبور را با مقتضیات و امکانات موجوده محدودمان تطبیق و مورد رعایت قراردهم و ناگفته نمی‌کنم از کتاب این شرح فعالیت‌های آنمرحوم پیش از دوران قیام جنگل موکول بندوین کتابی است که از نقش گیلان در انقلاب مشروطیت بحث نماید و چنین توفیقی نسبت هر فرد باهمتی شود یقیناً بتفصیل مارا از جریان کارهای آنزمان و نقش رهبرانی تغییر او که هدایت انقلاب را بعهده داشته‌اند آشنا خواهد ساخت. (مؤلف)

* * *

قطعه دانشمند محقق آقای دکتر محمدعلی الامی ندوشن

طهران بتاریخ ۱۱/۷/۴۴

کتاب میرزا کوچک‌خان سردار جنگل که نسخه‌ای از آنرا برایم فرستاده بودید خواندم و بهره بسیار بردم. در این باره معلومات ناقصی داشتم و کتاب شما باعث شد که آنرا تکمیل کنم. جنابعالی با صداقت و صمیمیت و حس انسان دوستی قلم روی کاغذ نهاده‌اید و از این جهت کتاب شما درین کتابهای که سالهای

خبر انتشار یافته ممتاز است و گوشہ عبرت انگیز و افتخار آمیزی از تاریخ ایران را روشن میکند.

مقاله‌ای از مدیر روزنامه طالب حق منطبوع درشت آقای حاجی محمد جوادی که از نویسنده‌گان بافضل و حق‌گو بشماراند. شماره ۴۶۰

۴۴ مهر ۱۵

هنوز در سر زمین ما آنطور که انتظار می‌برد انتشار خاطرات و اتفاقات توسط

کسانی که در حوادث مهم اجتماعی شرکت داشته‌اند معمول نگردیده است، و تا کنون آنچه را که انجام یافته نمیتوان خالی از نقص، حتی گاهی هم دوراز حب و بغض دانست و چون یکی از شگرف‌ترین و قایع تاریخی نسل معاصر ایران حوادثی است که در منطقه گیلان در یکی از بحرانی‌ترین دوران تاریخ تحولات اجتماعی آن بروز نموده است کتاب میرزا کوچک خان نمونه ارزش‌های است که این وقایع را نشان میدهد.

با وجودی که نهضت جنگل در بعضی از کتب تاریخی معاصر بشدت تقبیح می‌گردد دوستان مرحوم جنگلی و دکتر حشمت جزاً این کاری نداشتند که سالی دو مرتبه در سلیمان داراب و چله‌خانه جمع شوند و بروان پاک این دو را درد هالیقدر درود بفرستند و قهوه بخوردند و این کنایه بیشتر متوجه کسانی است که در نهضت جنگل شریک بوده و اهل قلم‌اند و اگر خاطرات و اطلاعات این دسته‌چاپ شود عده‌ای از معاهدین که هنوز در قید حیات‌اند بر تصحیح و تکمیل آن نیز تشویق می‌شوند و هر گاه این کار را خیر بیفتند گرد نیستی تمام خاطرات را با خود بگور خواهد برد. و اگر قبول دارید که این سر زمین در آینده بوجود مردان شجاع و با غیرت نیازمند است از انتشار این کارنامه غیرت و مردانگی مضایقه نهاید نمود و با این عمل است که می‌توانیم حقایق را روشن نموده در روح پریم خانها و جنگل‌ها و دکتر حشمت‌ها را شادنمائیم.

در حال حاضر با انتشار کتاب میرزا کوچک خان گام اساسی که حتی می‌تواند سرمشق گرانبهائی برای سایر مردان تاریخی باشد برداشته شد و نویسنده محترم خود درباره آن چنین می‌گوید: «مجموعه حاضر ممکن است حاوی تمام وقایع انقلاب جنگل نباشد و همه سایه روش‌های این نهضت را آنطور

که شاید و باید عیان نسازد. چه بسار و یادهایی که بعید نیست از محیط اطلاعاتمان
بدور مانده باشند و چه بسا افرادی که در جریانات این نهضت نقش‌های مهمی ایفا
نموده و ما بنام و نشانشان آگاهی نیافته باشیم. این نقص از آنجا ناشی می‌شود که
آرشیو جنگل، حاوی استادو نامها که درون چند جامه‌دان جای داشت و در تصرف رود
بدرست قوای مهاجم افتاد در دسترس ما نبود. مطلب دیگر آنکه ما نهضت جنگل
را تا جائی که اطلاع داشتمایم آنطور که بوده است نشان داده‌ایم نه آنطور که
می‌بایست باشد و بالاخره یک نکته آخری که بایستی بر حسب ضرورت با آن اشاره
نمود این که ذکر نام بعضی و اظهار عقیده‌های انتقادی در باره هر یک صرفاً بمنظور
حفظ اصالت وقایع تاریخی است.

ارزش علمی و تحقیقی این کتاب تنها مربوط با نچه را که ذکر شد نیست
بلکه در تشریح وقایع گذشته جنبه علمی مبارزه جنگل را نیز نشان میدهد و این
تحقیق بدین در زندگی نظامی میرزا کوچک خان نخستین بار دیده شده است. در
ماجرای زندگی میرزا، صفا و پاکی یک انسان مبارز و روشن ضمیر و نیک اندیش
بچشم می‌خورد. وعلاوه بر اینها روحی جوان و اندیشه‌ای نیرومند و جهان‌بینی
و سیعی در خلال سطور کتاب خودنمایی می‌کند تا جائیکه خواننده گرامی شعله‌های
آتش مبارزات جنگل را در خود احساس مینماید و مؤلف نیز در این باره
چنین می‌نویسد:

«مقصود از بیان این وقایع توضیح اسراتری طرفین و اشاره به تکنیک‌های
جنگی نیست چه وقایع مزبور کهنه شده‌اند و با سلاح‌های تخریبی این عصر که
با انفجارات هسته‌ای جهنم‌سوزانی بوجود می‌آورند دیگر بیان کیفیت جنگ‌های
گذشته جلب نظر نمی‌کند ولی شاید بی‌فایده نباشد بدانیم که مقتولین، به‌ماعتیت
توب و تفتیک وغیره آگاه بودند و میدانستند که با جان آدمی تناسبی ندارد و
معهذا از پذل غیرت و مردانگی درین نمی‌کردند و در مقابل جور و یدادگری
تن بخت نمیدادند و این برای آن عده اشخاصیکه زندگی توأم با زلت و
شرف را طالبند و از حیات مقرنون به ذلت نفرت دارند درس آموزنده و
ارزشمندی است.

نویسنده با آگاهی خاص خویش پس از بیاد آوری مناظر زشت قرون وسطائی

آنار باقی‌مانده و مسخ شده آنرا نشان میدهد. و بازخواننده از اینکه چگونه در برآ برزشتهای تغییر شکل یافته حقیقت نیز به پیکار برمی‌خیزد احساس خوشحالی می‌نماید بی‌شک باید اذعان نمود که این کتاب، جوانان را در چشم انداز وسیع امیدها و آرزوها و تلاش‌های متمرث مر قرار خواهد داد و با انتشار آن سهم گیلان در تاریخ مشروطیت ایران تا اندازه‌ای روشن شده است.

فصل پانزدهم که در حاشیه حوادث اشاره باشتباهات محدود و ناقص و گاهی هم مفترضانه دیگران شده است بیش از همه میتواند بمحققینی که بخواهند تاریخ جنگل و حتی تاریخ مشروطه ایران و اوضاع سیاسی و اجتماعی قرن اخیر را مطالعه نمایند کمک نموده و آنان را از تکرار اشتباهات دیگران بسیار حذر سازد.

در مقدمه چهارده صفحه‌ای این کتاب، کلمات باروح آن که از دل برخاسته چنان بر دل می‌نشیند که خواننده مایل نیست به یکبار خواندن آن اکتفا نموده باصل وقایع پردازد و همینطور در خلال سطور کتاب، و این سخنی است که دیگران نیز آنرا تأیید و تصدیق نموده‌اند.

ما موققیت روزافزون آقای ابراهیم فخرائی نویسنده دانشمند و فرزند شجاع گیلانی را از خداوند مستلت داریم.

نظریه استاد فقید سعید نقیسی درباره کتاب «سردار جنگل»

بتاریخ ۲۷ مهر ۴۴

مطلوبی که ذیلا نگاشته می‌شود پاسخ استاد بمعاشه خبرنگار مجله فردوسی است.

س - در تدوین تاریخ ایران چه کسانی تاکنون نزحمت کشیده‌اند و کدامیک از آنها موفق تر بوده‌اند؟

ج - البته در این موضوع از خدمات بر جسته‌ای که برخی از مورخین اروپائی و ایران شناسان کرده‌اند و بحث در این مورد بسیار مفصل خواهد بود نهاید غفلت کرد. در میان دانشمندان ایران‌کسانی که آثارشان جاهای خالی را پر کرد از دوره پیش از ما محمد حسن خان اعتماد السلطنه و مرحوم

محمدعلی فروغی - مرحوم علامه قزوینی و مرحوم عباس اقبال آشتیانی
مرحوم حسن پیرنیا مشیرالدوله آثاری دارند که همیشه جویندگان از آنها
بهرهمند خواهند شد.

در میان زنده‌ها کسانیکه آثار جالبی در این زمینه دارند آقای حسن
تقیزاده و همکار عزیز من آقای نصرالله فلسفی و آقای دکتر عبدالحسین
زرین‌کوب و آقای دکتر محمدجواد مشکور مقدم بر دیگران هستند. چون
برخی مثل آقای شمیم و آقای بیانی و دو سه نفر دیگر هیچ کار جالبی نکردند
و کارشان قادر ارزش میباشد.

اخیراً کتابی بنام «سردار جنگل» که مؤلف آن آقای ابراهیم فخرائی
برای من فرستاده است که من بدقت خواندم و میتوانم آنرا نمونه‌ای از تاریخ
نویسی محققانه معرفی کنم و کاش دره باحت دیگر تاریخ ایران هم تغایر این
کتاب فراوان میبود.

* * *

نقل از روزنامه طالب حق منتسب به رشت شماره ۴۶۲ مورخ ۲۹ مهر ۴۴

نقلم بیشه بان

«من عادت دارم از آنچه مطالعه میکنم از مطالب حساس و برجسته اش باداداشتی
بردارم تادر موارد ضروری از آن در نوشته‌هایم کمک بکیرم و بعنوان بهترین
مطالبی که بذوق و انتخاب من تهیه شده بار دیگر بجای مطالعه کتاب یاروزنامه
 فقط از این گلچین و برچین و منتخبات یادداشت‌هایم استفاده نمایم. وقتی کتاب سردار
جنگل را مطالعه میکرم متوجه شدم که ملخص و یادداشت‌های کوتاهی از آن
تهیه کنم از خود کتاب طویل‌تر و بیشتر خواهد شد بنا بر این تصمیم گرفتم همان
کتاب را بعنوان منتخبات و یادداشت‌های مختصر برای همیشه مطالعه کنم. این اظهار
عقیده را کسی درک میکند که کتاب یاد شده را مطالعه نماید.»

معظم له در روزنامه روئین منتسب به رشت مورخ ۲۲ مهر ماه ۴۴ نیز مقاله
ای در زمینه نشر کتاب مزبور و تقریظ بآن مرقوم داشته‌اند که علاقه مفرطشان
را به نهضت‌های آزادی‌خواهانه نشان میدهد.

نقل از روزنامه یومیه کیهان مورخ ۴ آذر ۴۴ تحت عنوان «نقدي

از کتاب سردار جنگل، بقلم مهدی آستانه‌ای

بنازگی کتابی بنام «سردار جنگل» میرزا کوچک خان انتشار یافت که نویسنده آن آقای ابراهیم فخرائی میباشد. فخرائی یک تن از جنگلیان و از دوستان مرحوم میرزا است و چون این شاهد زنده، زندگانی ساده و روشن و دور از انحراف دارد بی‌شک نوشته‌اش میتواند اذهان را متوجه خود کند و مایه استنباط گردد. از مقدمه شجاعانه‌ای که ایشان ذکر کرده‌اند بسیاری از زیر و بهای حیات سیاسی نیم قرن اخیر ایران با اشاره‌ای مستقیم روشن میگردند. ما در این مقاله به نتیت دفاع از سردار جنگل ویاران او نیستیم و بدان اندیشه نیز تمیباشیم که نهضت آنان را بررسی کنیم و برای آغاز و انجام آن دلایل سیاسی و یا اجتماعی پسازیم. آنچه نگارنده را به تحریر این مقاله و اداشت شخص میرزا و طرز تفکر او و فضیلت‌های اخلاقی و عواطف عالی او است. نهضتی برپا گشت، اقداماتی معمول داشت، نبردها برپا کرد و سرانجام بدست نیروی مرکز شکسته شد. این داستانی است که همگان از آن باخبر ند و لی دریغ است اگر ندانیم سردار این چنین که بود، چه میگفت و چگونه فکر میکرد و ارس او از نظر انسانیت تا جه پایه بوده است. میرزا یک تن از میان جمع بود که با جمع میزیست ولی به تنها یک فکر میکرد و این تک‌اندیشه اورا می‌آزد و شکنجه مینمود.

در نجنه تنها ای اورا و اداشت تا نیروی نهضت خود را بکار کشیده و خود را پنهانیاباند. از نهادش نداها برخاست و این نداها به فناها تبدیل گشت و سرانجام ویرا رهبر جمع گردانید.

میرزا انسانی عفیف و مهربان بود. دلی نازک تراز برگ گل و مقاومتی سخت تراز صخره‌های کوهستان داشت. او تنها یک مرد نبود بلکه جوانمردی وارسته بود. او حظ نفس و زندگی راحت و جاه و مقام را بیک‌سوافکنند. بر تومنی‌های نفس لگام‌زد. اما خود اسیر خدمت خلق گردید. او میدید که خون هزاران جوان و پیر، عالم و عامی، در راه نهضت مشروطیت ایران بخاک ریخته شده ولی عناصر بدنام و بدکام و بدکنش عانند دوالپا برگرد ملت ایران سوار شده‌اند و با شلاق سنم پیکر کهنسال ایران را شکنجه میدهند و این شکنجه‌هارا میدید و رنج میبرد.

تا روزی که احساس کرد این شلاقها هر روز ویرا می‌آزادد و روان او را مانند خوره می‌خورد، ناگزیر آزده بگیلان شناخت و کرد آنچه را که میدانیم. او تنها بگیلان بر گشت و پی‌ریزی پیکار آینده خود را به تنهائی آغاز کرد. مردی یاری آن نیست تا در این باره بیان دارم که در فرستادن او به جنگل چه کسی یا کسانی تأثیر داشته‌اند و یا مایه دلکرمی او شده بودند. آیا عناصر ملی و خیراندیش و یا مردمی از داخل و خارج اورا ارشاد بدین کار نمودند سخنی است که نمی‌توان آنرا با استحکام بیان نمود. کتاب طوری نوشته شده که خواننده حس می‌کند میرزا یک‌دفعه بجنگل رفته و کار را شروع کرده است اما هر عنصری از هر دسته‌ای که مایه تشویق او بوده اند از این معنوی میرزا را نمی‌توانند بگاهند. زیرا او نشان داد که بمعنی واقعی مردی می‌هنپرست بوده است. نه بوعده حکومت فریفتهد و نه مژده حکومت بزرگتری او را منحرف ساخت. بوعده‌ها پوزخند می‌زد و بنامه مشتقانه و خیرخواهانه سفير روس بی‌اعتنایی می‌کرد. حتی اگر مفاد نامه سفير را گوش می‌کرد کشته نمی‌شد و امروز هم زنده بود و با اعزاز و حشمت میزیست. میرزا با تمام سعی که داشت از جامعه‌شناسی بدور بود و یک عنصر انقلابی بمعنی عام نبود و از خوی سیاسی و سیاستمداری بهره‌ای نداشت. او برای خود اربابی جز وجودان خویشتن و آرمان‌های ملی نمی‌شناخته ولی از درک صاحبان این آرمانها غافل‌مانده بود – میرزا مردی مذهبی بود که هر خیانتی را هر اندازه‌هم که کوچک بود گناه می‌شمرد. هر چند سخت مهر بان و پاکدل بود ولی بهنگام قتال به شیر شرذه‌ای می‌ماند و از کشتن و کشته شدن باکی نداشت.

میرزا تنها خودش بود و یک دنیای باطن. مکنت او فقط یک قران پولی بود که در جیبیش یافته شد. ولی یک قران جاویدی که همیشه برای صاحبش نامی برآبر گنج قارون بجا گذاشت. از آن عالیتر و انسانی‌تر آنکه میرزا ای سرمازده و خسته و کوفته در حال نزاردل ندارد رفیق راه خود را تنها گذارد، لذا گائوک را بردوش می‌کشد و می‌خواهد اورا از گدوک عبور دهد. دل ندارد زنده یا مرده هم رزم خود را بدست دشمن بسپارد هر چند که خود زنده اسیر شود از این رو این مرد بزرگ و انسان قهرمان با فدا کردن جان خود در راه دوست نشان داد که علیه نفس خود نیز سخت جنگیده است و آن چیزی است که جهاد اکبر نام دارد. مردی که

قیام میکند و باصطلاح راه میزند فقط یکقرار بهنگام دم واپسین دارد. مردی که باصطلاح جاه طلبی میکند ولی پیشنهاد هر نوع حکومتی را مردود میشارد. مردی که هر گونه شهوت را در خود کشته و عادت خدمت بنوع را بشهوت خدمت تبدیل گردازیده بود آن اندازه رفت که کشته شدود کشته شدن نیز اثر جاودانه ای از خلق و خوی انسانی خود بیاد گار گذاشت که اخگر نیستی بر ادعای مخالفان خود افکند.

وقتی که سردار جنگل درک میکند که جزرگ و تسلیم راه دیگری نمایند است ترجیح میدهد که با رزم، خود را بدیار آذربایان برساند، باشد که مایه‌ای تازه برگیرد. خواننده بخوبی بعد از مطالعه این صفحه از خود میپرسد که چنین میرزاگی چگونه آدم میکشته هر گز رفیق خود را نکشته و این نسبت‌های خلاف، برای کبنه توژی است که مخالفان برای او تراشیده‌اند تا شاید از ارج او در اذهان بکاهند. مسلم است که میرزا رفیق کش نبوده است. مطالعه کتاب بما آموختنی‌ها میآموزد که چگونه سیاست‌های بزرگ همیشه ملت‌های کوچک را میتازاندو آنگاه برای رسیدن بمنافع خود بایکدیگر توافق میکنند و ملت‌هارا تنها میگذارند. مطالعه کتاب، به نسل جوان چیز‌ها میآموزد که مفید تواند شد. هر چند برای بعضی از مردم گیلان میرزا مظہر همه چیز بوده است ولی نویسنده کتاب بدون آنکه خود بخواهد مینمایاند که میرزا چنین نبوده است^۱.

میرزا دلی حساس و روانی حق طلب و پرشور داشت. وجودش شیفت‌عدالت بود و از بیدادگری نفرت داشت. رزمنده‌ای منهور و سرداری نیک نفس بود. میرزا مردی خیراندیش و مدبر و ساستمداری نزدیک بین بود که آگاهی‌های او مأنتند کرم ابریشم بدور وجودش می‌پیچیدند و ویرا از خارج بسی خبر میگذاشتند.

۱ - مظہر همه چیز و دن خیلی پر دامنه است و ماوسعت این دامنه را ناجا که با ظهار خلاف واقع تعییر نشود و نتوان به آن عنوان «اعراف» داد کوتاه گرفتیم واقعیت این است که ایدآل گیلانیان در وجود میرزا که موجود نهضت جنگل گردید لجه‌سم یافته بود و این همان چیزی است که از مفهوم بیان نویسنده استنباط می‌شود.

میرزا هر که بود و هر چه بود نمیشود انکار کرد نمونه یک تن از انسانهای
مهربان و اصیل و پر عاطفه گیلان بود که شراره عشق بمردم تمام وجودش را
سوژانید و خرمون هستی ویرا بر باد داد. ولی نوای نالههای او هر چند گاه بوسیله
همین بادها گاهی بگوش ملت ایران رسافیده میشود.

از مجله راهنمای کتاب سال هشتم (زمستان ۴۴) نیز نظر ایرج افشار.

سردار جنگل

میرزا کوچک خان که سردار جنگل در این کتاب شناخته شده است و موحد
حوادثی در خطه گیلان شد مردی بود پرشور و بهمین سبب در تاریخ قرن اخیر
ایران نامش بجای ماند و در این کتاب مؤلف مطلع، سعی کرده است که او را خوب
 بشناساند .

چون تویسته خود از یاران میرزا بوده و اسناد و مدارک چاپ نشده در
اختیارداشته، در این راه توفیق کم تظیری یافته است. تنظیم و تدوین کتاب مبتنى
بر اسلوب صحیح و بزبانی روش و روان است. عکسهای زیادی در این کتاب
چاپ شده که تا کنون در حای دیگر چاپ نشده بوده است. بعضی از اسنادهای عیناً
عکس شده است. مقدمه مؤلف بر کتاب نیز خواندنی است .

ممکن است افراد و شخصیت‌های دیگری نیز در باره ایسن کتاب، مطالبی
نوشته و اظهارنظرهای نموده باشند که ما آن‌گاهی نیافتدایم. در اینجا وظیفه‌مندم
از همه مردان فاضل و حقیقت پرست که باحسن ظن و صفاتی باطن بنگارش ما
نگریسته‌اند و مرا منهون الطاف و توجهات مهر آمیزشان ساخته‌اند یکبار دیگر
اظهار تشکر نمایم .

«مؤلف»

سردار حکیم

kochakejeblogfa.com

بنام پروردگار یکتا

مقدمه

در دومین سال جنگ بین‌الملل اول و قایعی در گیلان رخ داد که به نهضت جنگل یا انقلاب گیلان معروف گشت. قائد این نهضت مردی بود بنام میرزا کوچک که مانند همه ایرانیان منشعب از مصائب واردہ به کشور وهم‌میهناش رنج میبرد و راه خلاصی از پریشانی و بی‌رسامانی را پیشست. طبقات فهمیده و روشن فکر از اینکه در یک محیط آشتهای بسیار بودند و در نهایت ناراحتی، متتحمل انواع تعزی و بی‌اعتدالی بودند بستوه آمده و مانند دوران‌شهر و طیت منتهی فرست و موقع مناسب بودند تا با اقدامات دسته‌جمعی خود باین اوضاع ناگوار پایان بخشند. تنها یک نیشتر لازم بود که این عقده‌های درونی را منفجر کند و از عدم رضایت عمومی و خشم روزافزون مردم بشکل یک نیروی مجتمع ملی استفاده شود. میرزا کوچک در راه تحقق این نیت قدم پیش گذاشت و بطوری که خواهیم دید در محیط مساعد گیلان که مردمی پیشرو و آماده‌ی مبارزه داشت بتشکیل کانون مقاومت پرداخت و به‌افساندن بذرانقلاب دست زد و در مدت کمی توفيق یافت و اگر بعضی اشتباهات سو ناپاختگی‌های سیاسی که متأسفانه در بین شرقی‌ها فراوان روی میدهد وقوع نمی‌یافتد قطعاً در وضعی قرار میگرفتیم که اکنون تشریح دورنمای آن بی‌حاصل است.

قیام جنگل هفت سال یعنی از شوال ۱۳۳۳ هجری قمری تا دیع الثانی ۱۳۴۰ طول کشید و سرانجام با شهادت قائد و پیشوای آن ازهم پاشید. درباره جهات و عمل پیدایش این نهضت همچنین هدف و تاکتیک و عملیات و پایان غم انگیز آن مطالب بسیار در کتب و مجلات و روزنامه‌های داخلی و خارجی منتشر شده که یا کوتاه و مختصر و یا نادرست و بی ارزش و یا آسوده با غرض و منظورات خاص تنظیم یافته ماهیت و هدف نهضت را آنطور که شاید و باید نشان فداوه بحث تحلیلی صحیح از جریان حوادث نموده‌اند و اگر نموده کافی و رسا و مطابق با واقع نبوده است.

مثل احمد کسری در کتاب تاریخ مشروطیت ایران ضمن توضیح اینکه از داستان جنگل از نزدیک آگاهی نمیدارد مینویسد «جنگلی هامردان کوتاه‌بین و ساده‌ای بیش نبوده و راه روشن برای خود نمیدانسته‌اند و لذا کارشان ناپسامان درآمده است».^۱

استاد بهار (ملک‌الشعراء) در تاریخ احزاب سیاسی خود میرزا کوچک و کلنل محمد تقی خان پسیان را متهم می‌کند باینکه قصدشان تصرف ایران و ایجاد یک حکومت مرکزی صالح نبوده و بهمان ولایاتی که در کف داشته قانع بوده‌اند.^۲

در روزنامه دنا منطبیه تهران تحت عنوان «بحث تحلیلی از قیام جنگل» مقاله‌ای است مبنی بر اینکه کلنل محمد تقی خان پسیان و شیخ محمد خیابانی و کوچک جنگلی در تکمیل انقلاب مشروطیت نکوشیده و آنرا ناقص گذاشته‌اند.^۳ نویسنده کتاب انقلاب بیرنگ موجد انقلاب جنگل را مردمی معروفی می‌کند که معتقد بقعاوقد بود و غالب کارها را به استخاره محول می‌ساخت.^۴ سید مهدی خان فرخ معتصم‌السلطنه در مجله «اطلاعات هفتگی» چنین نوشتند «من جنگلی‌ها را متوجه کردم که در مقابل دولت انگلیس از پشه در مقابل فیل کوچک‌تر و بی اهمیت‌ترند.^۵ عوّلّف تاریخ بیداری ایران میرزا کوچک و اعوانش را در ردیف

۱- تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان جلد ۲ صفحه ۷۱۷.

۲- جلد اول صفحه ۱۵۹.

۳- شماره ۱۱ و ۱۲ مورخ ۱۵ و ۱۶ آذرماه ۱۳۲۹.

۴- صفحه ۲۵ تألیف س.ع. آذری.

۵- شماره‌های ۵۲۴ و ۵۲۵ بتأریخ اول و هشتم شهریور ۱۳۳۰.

اشاره وغارنگران بشمار آورده است^۱.

سرپریسی سایکس در کتاب معروف خود بنام «تاریخ ایران» میرزا کوچک راعامل «سپهبدار» نامیده و مدعی است که بر گشت میرزا بگیلان بمنظور ادامه عمل پرسود یعنی گرفتن ایرانیان ثروتمند و نگاهداشتن آنها برای پرداخت خونبها یا باج سبیل بوده است و مینویسد که حکومت ایران در مقابل این جنبش تقریباً ناتوان بود و اگر اقدامات بريطانیای کبیر نبود احتمال می‌رفت سلطنت را منقرض کند^۲.

مدیر روزنامه اقدام آقای عباس خلیلی جنگلی‌ها را سرزنش می‌کند از اینکه توانستند در مقابل انگلیس‌ها در تنگه منجبل پایداری کنند و حال آنکه با عده کمتر ولی دلبرتر امکان داشت راه را بر انگلیس‌ها و روس‌ها مسدود ساخت^۳.

سپهبد امام الله جهانیانی سناتور و وزیر سابق جنگ زیر عنوان «خاطراتی از اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹» مقاله‌ای در سالنامه دنیا نوشته‌اند که در آن سطور ذیل دیده می‌شود: «در شمال ایران میرزا کوچک خان علم طغیان ویاگی گری بر افراد شه و دعوی استقلال مینمود^۴.

در رساله کوچکی بنام تاریخچه جنگلیان که در طهران نشر یافت جنگلی‌ها افرادی راهزن و هیئت اتحاد اسلام مشتبه ملانما و حشمت الدوله والاتبار فرمانداری نالایق معرفی شده و دلیلش آن است که قدرت جنگلی‌ها در زمان این فرماندار گسترش یافته است.

در مجله اسپارتاكوس چاپ باریس ضمن یادداشت‌هایی که از مکزیک برای مجله مزبور فرستاده شده این مطلب عنوان گردید که از آثار فعالیت کمونیزم بسال ۱۹۱۹ میلادی در آسیا پیدایش دسته‌ای در شمال ایران بر هبری روس‌ها بود که نفوذشان را در گیلان و مازندران مستقر ساخته و در شماره اول مجله کمونیست بین‌المللی از آنها پشتیبانی شده است.

و می‌نویسد که ریاست اسمی این نهضت با میرزا کوچک خان بود ولی نهضت را روسها اداره می‌کردند کمی بعد میرزا کوچک را مردی صدیق و باوفا

۱- تألیف حبیب‌الله مختاری صفحه ۱۵۱

۲- ترجمه فخر داعی گیلانی جلد ۲ صفحات ۷۸۴ و ۷۴۹

۳- مجله سپیدوسیاه شماره ۲۰۸ صفحه ۱۶ تاریخ ۸ مرداد ۳۸

۴- سال ۱۳۴۰ صفحه ۲۶۳

نامیده میگوید یک ایرانی عمیق و متفکر و یک مرد ایده‌آل و آرزو بود اما آنها ای که پیرامونش بوده و دعوی همکاریش را داشتند نیمی سرسرده روسها و نیم دیگر سرسرده انگلیسها بودند!

دکتر مهدی خان ملکزاده نویسنده تاریخ انقلاب مشروطیت ایران میرزا کوچک را بنام یک مجاهد حقیقی و یک فرد مؤمن بمشروطیت می‌ستاید و مینویسد «نه فقط یک سرباز آزاده بود و در راه آزادی میجنگید بلکه یک مبلغ آزادی نیز بود و در هر مورد و مقام از تبلیغ مردم به پیروی از حق و عدالت و حقوق انسانیت فروگذار نمیکرد».

کتاب سیاست شوروی در ایران میرزا دا یکی از آزادیخواهان واقعی با مسلک که حقیقت برای آزادی و نجات ملت ایران قیام کرده و صدد رصد دموکرات و ایراندوست بوده است معرفی می‌نماید.

در دیوان عارف قزوینی گردآورده سیف آزاد اینطور اظهار نظر شده که: «یکی از تشكیلات بجا و بموقع که خدمات بسیار گرانها با آزادی و استقلال ایران نموده همانا تشكیلات مقدس و سودمند و میهن پرستانه فدائیان جنگل در زیر سرپرستی میهن دوست نامی شادروان میرزا کوچک خان جنگلی بوده است».^۱

مسیوب نیکیتین قو نسول سابق روس در ایران در کتابی که بیان روسی بنام ایرانی که من شناخته‌ام منتشر کرده و «ملک الشعراه بیهار» مقدمه‌ی فاضلانه‌ای بترجمه فارسی آن نوشته میرزا را مردی نامید که کمال مطلوبش را می‌جست و مقید بجمع آوری ثروت نبود.^۲

ژنرال دنسترویل فرمانده نیروهای مسلح انگلیس در ایران که از خط عبورش به قفار خاطرات خوشی بیاندارد و مکرر با جنگل‌ها جنگیده است در کتاب معروف بنام امپریالیزم انگلیس در ایران و قفار در چند جا نام جنگل را باحترام برده و مینویسد: «نهضت جنگل از طرف میرزا کوچک خان انقلابی معروف که یک ایده‌آلیست با شرف و منصفی است

۱- جلد پنجم صفحه ۱۴۹.

۲- تألیف م.ع منتشر گرگانی صفحه ۳۰.

۳- صفحه ۵۸۶.

۴- ترجمه مترجم همایون فرهوشی صفحه ۳۰۲.

لشکریل یافته^۱.

در جای دیگر میگوید «بعقیده من میرزا کوچک خان از وطن پرستان حقیق است و امثال او در ایران نادر و کمیاب است و اگر میتوانستم چند کلمه بگوش او بخوانم یقین دارم از سقوط قطعی نجات پیدا میکرد^۲.

عبدالله مستوفی نویسنده تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه معتقد است که میرزا در تمام مدت نهضت جنگل یک قدم بر خلاف دیانت و حب وطن بر نداشته و حتی در موقعی که کابینه های صالح روی کار می آمدۀ خود را از تماس با دولتیان بر کنار میگرفته است^۳.

نویسنده و شاعر فقید رشید یاسمی در کتب درسی که بدستور وزارت فرهنگ تألیف نموده میرزا کوچک را فردی «یاغی» که دعوی استقلال مینموده و غریب گردد است.

جان هارلو نویسنده کتاب خلیج فارس در قرن بیستم ضمن اینکه انقلاب گیلان را «غاٹله» نامیده می نویسد «دولت مرکزی این غائله را در اکتبر ۱۹۲۱ میلادی سرکوب و خود میرزا کوچک را تیرباران نسود^۴» در کتاب ایران در جنگ بزرگ تألیف مورخ الدوله سپهر هر دو را یک مرد روش فکر مذهبی نامیده شده و عین نویسد که یک میهن پرست واقعی بود.^۵

از این نوشهای ضد و نقیض که در بعضی از آنها اشتباه فاحش دیده میشود و ما چزی از آن را بر سبیل مثال ذکر کرده ایم بدون اینکه حقایقی برابر دید گانه ایان مجسم شود بر ابهام داستان جنگل می افزاید. آیا میرزا حقیقت آنطور که آقایان یاسعی و جهانگرانی نوشتند یاغی بوده و دعوی استقلال داشت و یا بعقیده سوپرسی سایکس از متمولین باج سبیل میگرفت؟ کسانی هم که دعوی همکاریش را داشته اند آیا بدزعم نویسنده مقاله اسپارتاكوس سر سپرده روس ها و انگلیسها بوده اند؟ شک نیست که در تحقیق این مسائل بما لازم میشود بدانهم چنگلی ها از چه قماش افرادی بوده و پیشوایشان از دولت های مرکزی

۱- ترجمه میرزا حسین خان انصاری صفحه ۴۱.

۲- صفحه ۱۶۷.

۳- جلد سوم صفحه ۱۱۹.

۴- روزنامه کیهان شماره ۵۶۹۵.

۵- صفحه ۳۸۴.

چه میخواست و چرا با قیام مسلحانه پنا خاست؟ چه علت داشت که مکوقت با سربازان روس تزاری روش ملایم در پیش میگرفت و اجازه میداد که از منطقه نفوذش بدون دغدغه و تحمل هیچ نوع آسیب بگذرند و زمان دیگر پلنگ آسا بسوی شکار خیز بر میداشت. به چه علت حاضر نبود با انگلیسی‌ها و وعده‌های طلائیشان کنار بیاید با آنکه بضعف خود و زورمندی حریف بحد کفايت وقف داشت. استعمال واژه «یاغی» در مورد افرادی که تسلیم حکومت‌های وطن فروش نمی‌شوند آیا بجا است؟ فلسفه همکاری جنگل با شوروی‌ها چه نبود آیا درست است که در ظاهر یگانه و در باطن ییگانه و مخالف بکدیگر بوده‌اند؟ قهر و آشتی آنان چه انگیزه‌ای داشت آیا همانطور که نویسنده انقلاب بیرنگ نوشتند باید این جریانات را به حساب تغییر لون گذاشت؟

چون هنوز کتاب مدونی حاوی حقایق واقعات جنگل در دست نیست و آنچه تاکنون بنظر رسیده مشوشند و از جهت نقص و جهات دیگر قابل اعتماد نمیباشند و چه بسا که القاء شبهد و نظرات غرض‌آلود (که در تنظیم بعضی از نوشت‌ها بکار رفته) اثر مسموم کننده‌اش را در اذهان مردم بی‌اطلاع باقی بگذارد نگارنده بتوصیه چند تن از دوستان ارجمند و علاقمند به نهضت‌های آزادی‌خواهانه و از یهم آنکه مبادا ماهیت انقلاب و جریان حقیقی واقعات جنگل کماکان در سینه‌ها مدفون و این قسمت از تاریخ کشور ما در پس پرده استنار مکتوم بماند و مبارزات مردم شرافتمند گیلان در راه استقلال و تحصیل آزادی فراموش شود و فداکاری‌های گذشته یکباره از خاطرها محو گردد بالاخص بمنظور رفع بعضی از شباهات و قضاوت‌های نادرست، تصمیم گرفت تا آنجا که شرایط و مقدورات اجازه میدهد خاطراتی را که از جنگل بیادمانده و مطالبی را که در مطبوعات دیده و یا از اهل اطلاع شنیده است با تطبیق با جریان واقعات و مدارک و اسناد جمع آوری نموده در معرض افکار عموم بگذارد و از دستبرد تعامل زمان مصون دارد باشد که تجسم صحنه‌های گذشته درس عبرتی باشد و خفتگان را بیدار و بخود آرد و رهائی از عقب‌ماندگی و نجات از یأس و کسب موفقیت و تعالی اجتماع را جز از طریق تحیل فداکاری و ابراز استعداد مداوم و از خود گذشتگی هرچه بیشتر امکان پذیر ندانند مخصوصاً طبقه جوان و نسل تعلیم یافته کشور که سازندگان جامعه آینده‌اند و دیده‌ی همه امیدواران بسوی آنها معطوف می‌باشد با توجه بعمق مسائل و حقایق مسلم زندگی و وظائف سنگینی که از همه جهات بعهده آنها محول است از مطالعه این داستانها کمی بیان ندیشند

و نتایج عمل اسلاف و کوشش‌های بیدریغ گذشته و تجارب حاصله از زحمات پیشینیان را در راه آرمان و هدفی که بجا نباشد گام بر میدارند درحال و آینده مورد استفاده قرار دهنده.

ما شاهد جنبش‌های بسیاری بوده‌ایم که از آغاز قرن اخیر در کشورمان روی داده و باستثناء دوره مشروطیت‌همه با شکست مواجه شده‌اند حتی از جنبش مشروطیت نیز با تمام پیروزی‌ها یش خاطرات غم‌انگیز و تلخ کامی‌های عمیق به جای مانده در حقیقت آنچه را که بامساعی فراوان بدبناش می‌گشته‌ایم بدست نیاورده‌ایم. علت چیست و چرا در کشوری که از نعمت آزادی و استقلال پرور مند است اصولاً طغيان و عصیان پدید می‌آید؟ شک نیست که استیلاً اقویاً بر ضعفاً و غصب حقوق و نادیده گرفتن تمایلات مردم منشاء همه‌ی فسادها است سلب حق و اتکاء بزور و انحراف از اصول عدالت و بی‌پرواپی به مصالح اجتماع و تحریر افکار عمومی همیشه مبنای بروز اغتشاش و محرك فارضایتی‌ها بوده و هست. کسانی اگر منکر این حقیقت باشند که تجاوز به آزادی‌های فردی و حقوق بشری قهراء و به حکم عقل موجب تولید عکس العمل است در معرض عدم تشخیص یا مبتلا به سوء نیت و یا خودخواهی‌های حالانه‌اند اغفال و پائین نگاه داشتن سطح معرفت عمومی بمنظور ادامه اصول خودکامگی خواه و ناخواه عرسه را بر مردم تنگ نموده و آنها را به وادی عصیان می‌کشاند. این یک اعتراف تلخی است که بگوئیم سیاست‌مداران جهان بعوض تحقق پخشیدن به آمال ملی و گسترش معنوی در حمایت عکس تمایلات عمومی قدم بر میدارند و در راه رشد فکری افراد و هدفهای انسانی بشر ما فاعلیت نداشند.

عدم اشاره به نقش دول استعماری بدان معنی نیست که مسئولیت احتطاط کنونی خود را از آنها سلب کنیم، یک بررسی اجمالی بماجراهای گذشته و سدهاتی که از یکصد و پنجاه سال پیش بـما رسیده کافی است که توقعات ستمگرانه و نقشه‌های استیلاً جویانه سیاسی و اقتصادیشان بـما روشن گردد و سر عقب‌ماندگیمان را دریابیم. معهذا و با وجود همه‌ی این توقعات، پیش از نالیدن از دست غیر، باید از خود شروع کنیم که بسیاری از مردان با کفایت و درایت ما بعوض مقابله با مصائب و بالا بردن حیثیت‌ملی و تربیت‌صحیح و پایه‌گذاری یک اجتماع سالم و نیرومند، تمامی هنر و لیاقت خود را در جهت معکوس

مصالح ملت و مملکت بکار برده‌اند و این‌چیزی است که در هر حای دیگر
دبیا می‌سابقه است . افرادی کارآمد و بالیاقت ، پیش از آن که تکیه پاریکه
بقدرت بزرگ‌تر بسوی معبودسیاستیان بنماز باستند و ایمان محکم‌شان را در نهایت
حضور باطاعت از اوامر ارباب و ولی نعمت‌های مقام بخششان ابراز کنند و
تازه برای همین سرسری‌گی‌ها چیزی‌هم از مردم مملکت طلبکار شوند . بدیهی
است لبیه تیز این سرزنش متوجه خود مردم است که با همه درک حقایق
زندگی و احسان احتیاج به تطبیق با روح زمان حتی در مساعدترین اوقات
نجنیبه آمادگی جذب یک زندگی شرافتمند و توأم با سعادت را از خود
ابراز نداشته‌اند واضح است که دریک اجتماع علیل که همه بدیده‌ها بش روی
محور جن و ماری بهره‌جوت و افکار صوفیانه بگرد و از تکنیک‌های معاصر اثری
نمی‌باشد حز فقر و بد بختی نتایج دیگری بیار نخواهد آمد .

جنیش انقلابی جنگل که جزئی از حواتر کشور ما است اقتضا داشت
با تمام مشخصات و نوساناتش در سینه تاریخ ثبت و ضبط شود و بهمین منظور
در دوران بعداز پایان انقلاب وسیله چند تن از بازماندگان نهضت‌مزبور بر شته
تحریر درآمد و بکوشش جوان آزاده لاهیجان ساسان کی آرش جهت طبع
بکشور آلمان فرستاده شد لیکن نویسنده قید ایرانی **حسین کاظم زاده**
ایرانشهر بجهاتی که اهم آن اقتضاء زمان بود چاپش را مصلحت ندید و عیناً
با ایران برگردانید سپس بخشی از مندرجات همان کتاب بوضع آشته و
با تحریفات بسیار در صحایف مجلات و روزنامه‌های محلی و مرکز انتشار یافت
اما سرنوشت اصلی کتاب همچنان نامعلوم‌ماند .

بعد از شهریور بیست که مقتضیات ، امکان چاپ کتاب را فراهم ساخت
نسخه اصلی آن بدست نیامد و لذا وابستگان نهضت مزبور برای بار دوم
بتحریرش همت گماشتند و با گردآوردن اطلاعات و مدارک و اسناد ، تنظیمش
را بشکل تاریخ بعده کی از نویسنده گان گیلانی ساکن مرکز محول کردند .
کتاب مزبور بطوریکه اطلاع حاصل شده پایان یافته و آماده چاپ است .
بدیهی است که پس از طبع و انتشار ، شناسائی‌مان را درباره ماهیت این نهضت

تکمیل خواهد نمود .

نگارنده اذعان دارد که این مجموعه عاری از منقصت نیست و از عهده انجام این امر کماه حقوقه بر نیامده لیکن خوشوت است که دورنمای روشن و واقعی یک کاروان پویای کعبه آزادی را که از آنها در سر منزل عشق جر «شئی خاکستر حسرت بر جای نمانده بخواتنده ارجمند عرضه میدارد . شک نیست که مطالعات بیشتر و تهیه مجموعه‌ای کامل‌تر بهده اهل فن و تحقیق است . منظور نگارنده انجام یافتن وظیفه‌ای است که بهده خود می‌شناخته است وظیفه «زبور مسلمان» جز رفع مبهمات و بیان داستان واقعی جنگل چیز دیگر نیست معرفی مردان خدمت‌گذار و میهن‌خواهی که در راه آزادی و عظمت و استقلال کشور رنج‌ها برده و از بذل مال و جان خویش دریغ نموده و بالاخره در جهاد مقدسشان علیه بیداد‌گری واستبداد و تأمین عدالت اجتماعی و پاسداری حقوق جامعه جان شیرینشان را فدا کرده‌اند ذکر جمیل و حق‌شناسی و بادآوری نام این را در مردان بعا فرض است . ضمن ستون شهامت واستقامت و پایمردیشان و از اینکه سر باختن در راه حق و حقیقت را به زندگی آلوده به‌نگه ترجیح داده‌اند به‌روان پاکشان درود می‌فرستیم .

در دنیای امروز ، که از هر گوشش آشوب تازه‌ای زبانه می‌کشد متأسفانه فرصت‌ها کم و گرفتاریها بسیاراند که اینکه اغلب این گرفتاریها ساخته شده دست بشر است و همیشه وجود داشته و مانند حاله‌ای همه‌ی ارکان بشریت را احاطه و محصور نموده است ولی از نظر نباید دور داشت که وضع امروزه جهان نیز یک وضع استثنائی است وضعی بغرنج و مقرن به‌نگرانی که می‌توان گفت زندگی انسانها در طول مدت تاریخ تا این حد دچار تشنجه و اختلال و آشفتگی و اضطراب نبوده مسئله اکنون بدین شکل مطرح است که با مناقشات بین‌المللی و اختلاف ایدئولوژیکی دنیای شرق و غرب و با وجود تدایر و نقشه‌های پنهان و آشکار طرفین بمنظور پیش‌راندن مقاصد و نیات جاهطلبانه و بقاء موجودیت و اثبات برتری آئین اجتماعی خویش و با وجود سلاحهای اتمی و هیدروژنی که روز بروز در تکمیل و تکامل‌اند و تجسم آثارشان حقیقت وحشت‌انگیز است آیا فکر نمی‌شود که عمر بشریت دارد کم کم پایانش نزدیک می‌شود ؟ آیا آینده‌ای وجود دارد تا در باره کیفیت و

چگونگی آن بررسی و مذاکراتی را ایجاد نماید.

آیا مآل و عاقبت این مناقشات و کشمکش‌های بین‌المللی و مسابقه‌های تسلیحاتی که روزی دنیا را بکام نیستی خواهد کشید چه میشود و بشریت در انتظار چه سرنوشتی است؟ اگر امید آن هست که رهبران سیاسی جهان دست از عناد و ستیزه‌جوئی بکشند و از توسعه نخوت و غرور و کبریائی پیاده شوند دلیل چنین امیدواری چیست؟ آیا فرق سیاسی آنقدر روش است که رهبران بزرگ جهان دور یک میز توافق گرد آیند و مسائل دنیا ای را خردمندانه بین خود حل کنند؟ آیا هنوز زود است که مصائب واردگار دوجنگ بین‌المللی اخیر التیام یا بدون نمایندگان قدرتهای بزرگ که اغلب اختلافات شان علی‌الظاهر بر سر مسائل کم‌اهمیت است اندکی مردم گیتی را از مردم گذاشتن بجرایات گذشته و ترمیم خرابی‌ها و تخفیف ناراحتی‌هایی که هم‌اکنون در غرقابش غوطه‌ورند آزاد و راحت بگذارند؟

آنچه مسلم است نظام قدیمی جهان بوضع بی‌سابقه‌ای در هم ریخته رشته علایق و پیوند ملت‌ها که با استی بر مبنای تفاهم و حسن نیت و گذشت متفاصل استوار باشد بسیتی گراییده است نشاط و سوره از دل‌ها بر تافته - در چهره مردم نیک‌اندیش جهان آیات یاس خوانده میشود - کاخ آمال و آرزوهای بشر در شرف فرو ریختن است و همه چیز در معرض ترس و دلهز و انقلاب و دگرگونی قرار گرفته در چنین حال و مقام که گفته میشود تضاد سرمایه‌داری و سویا لیزم تنها عامل بروز این ماجراها است و با جبهه بندی‌های طرفین، پرده‌این نمایش تراژیک بالامیروند و با برخورد های خصم‌انه تشدید میشود و گلایز شدن‌شان در هر نقطه از نقاط دنیا در حکم حرقدای است که به انبار باروت برسد و در قیافه اوضاع بین‌المللی هم اکنون آثار و علائم یک‌چنین طوفان مرگباری بوضوح تمام پیداست آیا بجا است که افکار جهانیان از آینده مبهم و نامعلوم، دستخوش تشویش و نگرانی نباشد؟ چرا نباشد که با تهدیدشدن سرنوشت بشر و قرار گرفتن دنیا در لب پرتگاه نابودی در اثر یک‌اشتباه یا یک‌قدم ارزیابی نشده و نادرست، ممکن است زندگی انسان‌ها و آنچه بوعی تعلق دارد و مدنیتی که طی میلیون‌ها سال در کره خاکی ما بوجود آمده بیکباره زیر و رو شوند و به طرقه‌العینی بشکل غبار درآیند و حال آنکه دوران زندگی ما بغلط یا صحیح دوران تجلی خرد و دانش است و در عصری که دانش حکم فرما باشد باید

جنون و نابخردی رخت بر بندد چه ، جنگ و خون ریزی منظر نادانی و دیوانگی است و عقل سليم در انتخاب ویرانی و آبادانی بجانب ویرانی متمایل نمیشود و انهدام و سبعیت و جاری کردن سیلا بهای خون و گرم کردن کوره های آدم سوزی را به اعتدال و تفکر و آرامش مسابقه در حل معضلات و کشف رموز زندگی ترجیح نمیدهد بنا بر این دشوار نیست و شاید تنها مداواه این نقاهت جهانی و اصلاح وضع سردر گم امروزی دنیا همین باشد که ملت ها بخود آیند و با کوشش های مداوم و خستگی ناپذیر، افکار خشن و زهر آسود افراد سبک معن را که خواب قربانی های جدید می بینند و برای این خود پناهگاه های اتمی بنا میکنند محکوم سازند و با ارشاد و راهنمایی های پی گیر ، مسیر سیاست و کینه تو زی های جا هلانه را تغییر دهند و از توصل باقدامات حاد و زیان بخش بازدارند و نگذارند حهان یکباره دیگر به مصیبتی شدیدتر و در دنیا کتر از دو جنگ عالم گیر گذشته روبرو شود . تردیدی نیست که پیشرفت واقعی مدنت و برومند شدن نهال انسانیت و تکامل صنعت و معرفت تنها در پناه صلح و زیست در یک محیط سالم و ثابت و معقول و آرام متصور است و باید بر هر ان کشورهای جهان فهماند که اگر در دنیا لیاقتی وجود دارد باید آنرا در جهت احساس رنج و درک درد همنوع و یافتن طریق درمان و شفای آن پکار بست. عاطفه و احساسات بشری و همدردی و تعاون مشترک را که در لوح فطرت و سینه خلقت منقوش است باید بوجه مؤثری بکار آند اخた. در عصر ما و عصر پیش از ما و دنیای بعد از ما مسلماً بدون هیچ گفتگو، هیچ لذتی مهمتر از خدمت بنوع و هیچ افتخاری درخشنان تر از کامیابی در گسترش دانش و هیچ فضیلتی ارجمند تر از بکار بردن صفات عالیه انسانیت نیست. در دنیای امروز ، باید خردمندانه و دوراندیشه انه و واقع بینانه فکر کرد و باید ارزش انسانی را تا سرحد «فاجعه تاریخی» تنزل داد. شاید قبول این مسئله خیلی دشوار نباشد که یک سیستم همکاری نوین که ضامن نظام عمومی جهانی باشد رافع همه ترسها و دلهره ها است اگر تصدیق کنیم که نقشه و تدبیر سیاست مداران امروزی دنیاروی اندیشه های خیر خواهانه و نوع پرورانه استوار است پس چه بهتر که این اندیشه های سالم ، برادر وار ، روی میز مذاکرات ریخته شوند همچنان که در یک آب صاف و زلال ، ماهی و همه چیز دیگر را میتوان دید طرح اندیشه های صاف و بدون غل و غش نیز وسیله جلب اعتماد و اطمینان منه ابلند و بدین طریق

چنانچه رفع مناقصات ایدئولوژیکی طرفین برای همیشه قابل امکان نباشد، لااقل مرز وحدود غیرقابل تجاوزی برای عدم اصطکاک و بطرف ساختن اختلافات دیشدار یا بی‌دیش تعبیین و تضمین میگردد. این انتظار قطعاً بیهوده نیست و اگر غرض و مرض خلاصی، سلامت روحی و جسمی زمامداران جهان را مسموم نساخته باشد از بین بردن مشکلات و سعادتمند ساختن ابناء پسر دشوار نخواهد بود چه آنکه استعداد و توانائی کافی وجود دارد و میتوان با اتخاذ یک روش صحیح بدفع توهمات پرداخت و زندگی را بهشت برین ساخت و با انتظارات مزدم جهان جواب مثبت داد بعبارت دیگر، میتوان بدون توسل بزور که از غراییز حیوانی و فقدان منطق است در تغییر اصول تربیت اقوام مطالعه نمود و فرهنگ تازه‌ای با برنامه‌های تازه‌تر عرضه کرد و دنیای عالی‌تری ساخت آنچنان دنیائی که پیشینیان بدان «مدينه فاضله» نام نهاده‌اند درحقیقت حیف است که استعدادهای بشری در راهی که از آن خون و شرارت میبارد بکار رود وزندگی، بعوض آنکه لطف و طراوت وصفاً و جلای حقیقیش را مشهود سازد در جهنم سوزانی از نثار و کدورت مدفون گردد و با تمامی این احوال آنچه از دست رفته «گذشته» است و آنچه باید بآن اندیشید «آینده».

«گذشته» از آن جهت مورد علاقه و دلبستگی است که منعکس سازنده تلخی‌ها و شیرینی‌ها و نشان دهنده افتخارات یا تبره‌روزی‌های پیشینیان است چه، صحایف خاطرات و سوانح رشت و زیبا و ناکامی‌ها و کامیابی‌های اسلام را برابر دید گان اخلاف میگشاید که با تجزیه و تحلیلات منطقی آنچه را که سزاوار عبرت است فراگیریم و برای استواری زندگی امروز و فردای خود بکار بندیم و آنچه را که ناصواب و خلاف عقل و منطق است و خطوط بطلان بر روی آنها ترسیم گردیده‌اند بدور بریزیم و بالنتیجه، با استفاده از تجارت اسلام بسوی زندگی شرافتمدانه و ترقی و کمال به پیشویم و از گزند روزگار که از هر طرف احاطه‌مان نموده در امان باشیم.

از اینقرار تاریخ تنها ذکر سر گذشت و وقایع نگاری نیست بلکه گسترش سطح معرفت عمومی و تربیت معنوی افراد نیز مورد توجه است و بنابراین شایسته چنان است که بیان ما در توضیع مسائل و نمایاندن سایه‌روشن‌های این داستان تاریخی حتی المقدور ساده و مبنی بر اختصار باشد یعنی انتخاب کمترین الفاظ برای مفصل‌ترین وقایع اما نه چنانکه بوضوح مطلب ورسائی کلام زیان‌آور

گردد هر چند شرح تفصیلی واقعات تاریخی ، در نظر بعضی‌ها پسندیده‌تر است و تردید ندارد که نوشهای مفصل را نمیتوان بدون رعایت ذوق و سلیقه عموم، خوش‌آیند و دلنشیں ساخت زیرا هستند کسان دیگری که اختصار و اقتصار را یکی از ارکان بلاغت میدانند و پرگوئی و دراز نویسی را هنر خشت زنان عیشمارند و در غیر موادری که ایضاً احات علمی یافته بدين الزام صحه‌میگذارد بحث در فروع و مسائل بی‌اهمیت را نوعی تهدیه وقت بحساب می‌آورند .

راقم این سطور در تنظیم مباحث مجموعه فعلی ، روش بنا بر این را اختیار کرده و با تفضیل کیفیت بکمیت سعی نموده است که نکات قابل ذکر ، حتی المقدور روشن و بپرایه و عاری از هر گونه تکلف و تعقیب بیان شود و در عین حال جبری از نکات مهمه از قلم نیفتد در حقیقت نه شامل «ایجاز مخل» باشد و نه «اطناب ممل» و بنابراین متوقع است هر حاکم خواننده ارجمند بسهو و نسبانی روبرو گردید بالغزش و اشتباهی در سطور این اوراق یافت یا مطلب فراموش شده‌ای بمنظرش رسید از تذکر و یادآوری درین نتایج و مارا از بدل عنایات کریمانه سپاسگزار فرماید چه بطوری که قبل اشعار رفت جز ثبت سوانح تاریخی و سبط وقایع حقیقی داستان حنگل و ذکر نام خدمتگذاران و مردان فداکار میهن ، منظور دیگری درین نیست .

تهران خردادماه ۱۳۴۴

ابراهیم فخرائی

وبلاگ های حمایت کننده در نشر این اثر:

کوچک جنگلی کلپیک

لیمو کلپیک

ترمه کلپیک

صدرا کلپیک

گیل نوشت کلپیک

چابکسر کلپیک

شما هم می توانید
به ما پیوندید

کوچک جنگلی

